

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی براساس نظریه کارن هورنای (مقاله پژوهشی)

ناصر پورحبیبی زرندی*

محمد غلامرضایی**، تورج عقدایی***، حسین آریان****

چکیده

ادبیات کودک و نوجوان ادبیاتی است متنوع و از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی. مطالعات بین‌رشته‌ای، راهکاری است که برای شتاب بخشیدن به روند توسعه علمی و علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی براساس نظریه کارن هورنای انجام شد. این مطالعه به لحاظ روش‌شناسی، کیفی است. جامعه پژوهش حاضر شامل داستان‌های کودکان و نوجوانان از هوشنگ مرادی کرمانی گزینش و تحلیل شد. این پژوهش به این سؤال پاسخ می‌دهد که جنبه روان‌شناختی شخصیت پردازی در داستان‌های مرادی کرمانی بر اساس نظریه هورنای چگونه قابل ارزیابی است؟ گروه‌های هدف، آموزش

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاداسلامی واحد زنجان
n.poorhabiby@gmail.com

** استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاداسلامی واحد زنجان (نویسنده مسئول)
M_gholamrezaei@sbu.ac.ir

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاداسلامی واحد زنجان
Dr.aghdaie@gmail.com

**** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاداسلامی واحد زنجان
Arian.amir20@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۷، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۷

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔ ...پورحییبی زرنندی و... ۲۹ و پرورش و دانشجویان علاقه‌مند به ادبیات کودک و نوجوان می‌باشد. نتایج نشان داد که در تمام شخصیت‌های داستان‌ها، اضطراب بنیادی به عنوان اساسی‌ترین اصل در نظریهٔ هورنای قابل مشاهده است. تضاد اساسی موجود در شخصیت‌ها، آن‌ها را به سه تیپ مهرطلب، برتری طلب و انزوا طلب، تقسیم نمود. تمام تیپ‌های شخصیتی، برای رهایی از رنج و آزار عصبی، به خود آرمانی، متوسل شدند. با استفاده از این نظریه می‌توان به مطالعهٔ رفتار کودکان روان‌پریش پرداخت. آگاهی والدین از این نظریه می‌تواند به پیشگیری عصبیت قبل از درمان آن، کمک شایانی نماید.

کلید واژه‌ها: اضطراب اساسی، داستان‌های نوجوانان، شخصیت، نظریه‌ی کارن هورنای.

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

مطالعات بین‌رشته‌ای، راهکاری است که برای شتاب بخشیدن به روند توسعهٔ علمی و علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته است و زمینه را برای فعالیت دانش‌پژوهان و محققان رشته‌های علمی مختلف فراهم می‌کند که این امر به شناخت هرچه بیشتر از فعالیت‌های علمی یکدیگر منجر می‌شود. یکی از عوامل تأثیرگذار بر کودک در داستان، شخصیت‌های داستانی است؛ بنابراین می‌توان گفت شخصیت‌پردازی نویسنده از اهمیت شایان توجهی در ادبیات کودک و نوجوان برخوردار است. درحقیقت، به هر موجودی که در طول داستان و یا در جهان داستان حرف می‌زند، رفتار و اعمال گوناگون از خود نشان می‌دهد و دارای ویژگی‌های خاصی است، «شخصیت» گفته می‌شود. ادبیات و روان‌شناسی «هر دو با شخصیت‌ها سروکار دارند، هر دو روابط انسانی را بررسی می‌کنند، هم‌چنین هر دو در تلاشند تا لایه‌های تاریک ذهن را کشف کنند. این نقاط مشترک باعث شده، شیوه‌های تازهٔ تحلیل متن در دنیای امروز، ذهن محققان را به‌خود مشغول کند. کشف دنیاهای ساکت و پنهان پشت متن و نظام‌مند کردن شیوه‌های مختلف بیان و تفکر، از جملهٔ این دل‌مشغولی‌هاست. متون فارسی را باید از دیدگاه‌های تازه جست و تحولی در ادبیات به‌وجود آورد» (هورنای ۱۳۹۵: ۷۸).

تاکنون در زمینه نقد روان‌شناختی شخصیت‌های داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریه کارن هورنای پژوهش مستقلی انجام نشده، اما در زمینه نقد روان‌شناختی ادبیات کودک و نوجوان و نقد روان‌شناختی آثار ادبی بر اساس نظریه هورنای، پژوهش‌هایی ارائه شده است. پژوهش‌هایی با عنوان «بررسی داستانی از جیمز تربر بر اساس دیدگاه روان‌شناختی کارن هورنای» (رضایی ۱۳۸۸: ۱۱۲) «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستانی هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریه اریکسون» (محرمی و دیگران ۱۳۹۰: ۹۱)، «نقد روان‌شناختی داستان دیگر سیاوشی نمانده بر اساس نظریه هورنای» (بهنام فر و طلایی ۱۳۹۴: ۲۳۰)، «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های سه داستان غلامحسین صاعدی بر مبنای نظریه کارن هورنای»، شخصیت‌های دو داستان کوتاه و یک داستان بلند او به نام‌های «گدا»، «خاکسترنشین‌ها» و «آشغال‌دونی» (شاکری و بخشی ۱۳۹۴: ۷۹) با بهره‌گیری از نظریه کارن هورنای واکاوی شده است.

بر این اساس در این پژوهش نیز به تحلیل شخصیت‌های داستانی در داستان‌های مربوط به کودکان و نوجوانان از هوشنگ مرادی کرمانی، بر مبنای نظریه روان‌شناختی شخصیت در اندیشه کارن هورنای (Karen Horney) پرداخته می‌شود.

۲. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات، از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است و اطلاعات مورد نیاز پژوهش، از راه برگه‌نویسی (فیش‌برداری) از کتاب‌ها، مقالات، رساله‌های دانشگاهی و مطالب مندرج در درگاه‌های معتبر ادبی و جامعه‌شناختی گردآوری شده است. در این بررسی، علاوه بر داستان‌های منتخب هوشنگ مرادی کرمانی، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با نظریه روان‌شناختی شخصیت کارن هورنای که عمده‌تاً آثار ترجمه‌ای است، مقالات و نقد و نظرهای مرتبط با رمان‌های منتخب، به ویژه در حوزه نقد روان‌شناختی، جزء منابع مطالعاتی این پژوهش به شمار می‌رود. با مطالعه هر یک از منابع، اطلاعات مورد نیاز به دقت فیش‌برداری و دسته‌بندی می‌شود که با توجه به جستارهای مقاله به ترتیب در تحلیل و نگارش رساله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔپورحبیبی زرنندی و... ۳۱۰

۳. معرفی کارن هورنای

کارن هورنای در ۱۶ سپتامبر سال ۱۸۸۵ میلادی در هامبورگ به دنیا آمد در ۴ دسامبر سال ۱۹۵۲ میلادی در نیویورک درگذشت. او در نوجوانی دست‌خوش تب‌وتابی مذهبی شد که البته در آن زمان، در میان دختران تازه بالغ حالتی معمول بود. خانوادهٔ کارن به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از امنیت کامل برخوردار بودند؛ پدرش ناخدای کشتی بود، کارن به شدت تحت تأثیر مادر آزاداندیش و سرزندهٔ خود بود که سعی می‌کرد او را به خوبی تربیت کند، کارن برای آن‌که محبت مادر را حفظ کند، نقش یک دختر دوست داشتنی را بازی می‌کرد، اما از خودگذشتگی و رفتار او کارساز نبود، لذا روش خود را تغییر داد و جاه‌طلب و سرکش شد. هورنای بر این عقیده بود که روان‌کاوی زیستی فرویدی تنها می‌تواند کمک ناچیزی به او باشد؛ در نتیجه به خودکاوی روی آورد. هورنای در طول مدت خودکاوی‌اش، قویاً تحت تأثیر نظر آدلر دربارهٔ جبران احساس حقارت قرار داشت (هوشنگی ۱۳۹۲: ۲۰۰۳-۲۰۰۲).

هورنای در ابتدا از پیروان زیگموند فروید بود و بعدها در برخی اصول، از وی جدا شد و اظهار عقیده کرد که عوامل اجتماعی و محیطی در شکل دادن شخصیت فرد دخالت دارند و علل اساسی روان‌نژندی و سبب اختلال در کارکرد شخصیت هستند. وی برخی مفاهیم همچون از خودبیگانگی، خودشکوفایی و تصویر آرمانی را برای نخستین بار به کار برد. هورنای مانند آدلر بر روابط اجتماعی به‌عنوان عوامل مهم در شکل‌گیری شخصیت، تأکید بیشتری داشت. وی معتقد بود که مسائل زیستی به‌گونه‌ای که فروید ادعا می‌کند، عامل حاکم در شخصیت نیست.

۴. مفاهیم بنیادی نظریه کارن هورنای

۱. ۴ اضطراب اساسی (Basic Anxiety)

هورنای شخصیت را مبتنی بر عوامل اجتماعی می‌داند که تأثیر عوامل مادرزادی در آن بسیار اندک است. او معتقد است که اگر در خانوادهٔ کودک، اموری همچون تفاهم، احساس ایمنی، محبت، گرمی و صمیمیت وجود داشته باشد، از پیدایش روان‌رنجوری پیشگیری

می‌شود، در اندیشه وی عامل اصلی شکل‌گیری روان‌رنجوری اضطراب اساسی است (برزگر ۱۳۹۵: ۷۱۰). هورنای، اضطراب بنیادی (Basic Anxiety)، را احساس فراگیر و به تدریج فزاینده تنهایی و درمانده بودن در دنیای خصمانه تعریف می‌کند. این اضطراب، پایه‌ای است که روان‌رنجوری‌های بعدی از آن به وجود می‌آیند و به طور جدانشدنی به احساس خصومت پیوند خورده است. فرد در دنیایی که پر از تحقیر است، خود را کوچک، درمانده و بی‌کس احساس می‌کند (شولتز و شولتز ۱۳۹۸: ۲۲۱).

۲. ۴ تضاد اساسی (Basic conflict)

تضاد اساسی، از رابطه والدین - کودک به وجود می‌آید. هنگامی که این اضطراب تولید شده توسط اجتماع یا محیط ظاهر می‌گردد، کودک تعدادی از راهبردهای رفتاری را برای مقابله با احساس ناامنی و درماندگی در خود پرورش می‌دهد: «راه‌هایی که کودک برای در امان ماندن از آزار دیگران بدان‌ها متوسل می‌شود، عبارتند از: طریق مهرطلبی و جلب حمایت و محبت دیگران که شخصیت مهرطلب را می‌سازد و یا پرخاشگری و برتری‌طلبی و یا دوری از اشخاص که شخصیت انزواطلب است». اگر هر یک از این راهبردهای رفتاری به صورت بخش تثبیت‌شده شخصیت او درآید، یک نیاز روان‌رنجوری یا نوروتیک نامیده می‌شود که در واقع، یک شیوه دفاع در برابر اضطراب است. «اگر کودک می‌توانست منحصرأ به یکی از سه طریق دفاعی فوق پناه ببرد، زیاد دچار ناراحتی و عذاب نمی‌شد، ولی مشکل اینجاست که بنا به موقعیت‌های مختلف، از این هر سه تاکتیک و طریق دفاعی استفاده می‌کند و چون این سه طریق با هم تضاد و مغایرت دارند، ناچار از برخورد آن‌ها کشمکش و تضاد شدیدی در وجود کودک ایجاد می‌شود که آن را نیز تضاد اساسی می‌نامیم» (هورنای ۱۳۹۷: ۲۷۶).

۳. ۴ تاکتیک خود آرمانی (Idea lized self)

تاکتیک دیگری که شخص عصبی به آن متوسل می‌شود، «خودآرمانی» نام دارد. وقتی انسان قسمت‌های اساسی روح خود، یعنی «خود واقعی» را سرکوب و محو نماید و از رشد باز دارد، به مقدار زیادی با خودش بیگانه و ناآشنا می‌ماند؛ البته این جریان به مرور و

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔپورحبیبی زرنندی و ۳۳ بدون آگاهی صریح خود شخص صورت می‌گیرد، چنین شخصی رفته‌رفته، در وجود خود ایده‌آلی می‌سازد که سعی دارد همیشه به آن برسد. براساس ساختار خودآرمانی، احتیاجات و نیازهایی مانند کسب عظمت و جلال، توقعات و انتظارات عصبی، بلای باید، غرور عصبی، عناد به خود و خواری‌طلبی، بیگانگی با خود و تعکیس، برای شخص عصبی، ایجاد می‌شود. شخص عصبی در خود آرمانی، به تعکیس دست می‌زند. منظور از تعکیس آن است که شخص میل دارد آن‌چه را در وجود خود او می‌گذرد و جریاناتی را که در روح او صورت می‌گیرد، در خارج از وجود خود تصور کند و عوامل خارجی را مسئول و مسبب مسائل روانی و درونی خود فرض نماید. تعکیس شخص را از خود واقعی‌اش دور می‌کند و شخص احساس خلاً دائمی و تهی‌بودن درونی می‌نماید (لورنس و الیور پی ۱۳۸۱: ۳۲۲).

۵. خلاصه‌ی داستان‌ها

۱.۵ داستان «گوشواره» از مجموع داستان‌های لبخند اثار

شخصیت اصلی این داستان دختری به نام مهین که از نظر وضعیت مالی بسیار ضعیف است. پدرش قاچاقچی بوده و اعدامش کرده اند، مادرش در زندان است و مهین و برادرش در مجتمع شبانه روزی زندگی می‌کنند. فردی خیر مهین را از نظر مالی حمایت می‌کند. مهین به جشن تولد دوستش مهتاب می‌رود و یک گردنبند به او هدیه می‌دهد که تعجب همهٔ دوستان را بر می‌انگیزد، هدیه‌ای که با پول خیر خود خریده است. مهتاب از وضع و حال مهین خبر ندارد فکر می‌کند مثل سایر دوستان، در یک خانوادهٔ مرفه زندگی می‌کند. دوستان مهتاب هر یک هدیهٔ خود را می‌دهند ولی هدیهٔ مهین از همه بهتر است (مرادی کرمانی ۱۳۹۵: ۳۸).

۲.۵ داستان «سنگ‌های من» از مجموعه داستان‌های تنور

پسر بچه‌ای که با پدر بزرگ، مادر بزرگ و پدرش زندگی می‌کند، در روز سنگ‌های زیبایی به شکل تخم گنجشک، کلاغ، کبک که خال خال بودند از کنار رودخانه پیدا می‌کند و هنگام شب که بالان (مردم اهالی به هواپیما، بالان می‌گفتند) از میان ستارگان عبور می‌کند،

سنگ‌ها را به خلبان بالان (هوایما) نشان بدهد. از نظر او بالان مانند یک سنجاقک بزرگی است که روی شاخه‌های ستارگان در آسمان می‌نشیند و پرواز می‌کند. کودک که هنگام شب روی بام خانه‌ی خود با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود می‌خوابد؛ شب‌ها بیدار می‌ماند تا همه بخوابند و منتظر می‌ماند تا بالان بیاید و با خلبان آن حرف بزند و سنگ‌های زیبای جور واجور خود را به خلبان نشان دهد (مرادی کرمانی ۱۳۹۱: ۱۸۵).

۳. ۵ داستان «آب انبار»

داستان از این جا شروع می‌شود که شیخ از مکتب‌خانه صدای سگ می‌شنود و به سرعت به سوی مکتب‌خانه می‌رود. وقتی وارد می‌شود، سگی را آن جا نمی‌بیند و بچه‌ها مشغول ناهار خوردن هستند. عماد حلوا می‌خورد و صدای سگ بیرون می‌آورد و به دنبال الماس پسر اصلان بازرگان می‌رود. الماس از او خواسته است که سگ او شود تا به او حلوا بدهد. شیخ بسیار ناراحت می‌شود و ماجرا را به پدر و مادر عماد می‌گوید. پدر عماد - که سقا است و از آب انبار، آب برمی‌دارد و در مشک می‌ریزد و می‌فروشد - او را تنبیه می‌کند. الماس نیز بعد از سرزنش استاد به مکتب نمی‌آید؛ پدر الماس او را مجبور می‌کند که در زیر زمین کار کند و فضولات شتر عصاره‌ی را جمع کند. درست همان کاری که پدر الماس در گذشته انجام داده است. روزی در بازار پدر الماس چهار دست و پا حرکت می‌کند و صدای سگ بیرون می‌آورد تا به الماس بفهماند کسی را سگ نکند. الماس پشیمان می‌شود و خودش صدای سگ در می‌آورد و نفس خود را خوار و ذلیل کند. عماد هم علاقه زیادی به عوعو کردن دارد و از این کار راضی است (مرادی کرمانی ۱۳۹۶: ۷۸-۳).

۶. تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستان‌ها بر اساس نظریه‌ی

کارن هورنای

۱. ۶ اضطراب اساسی

۱. ۱. ۶ داستان گوشواره

مهین در خانواده‌ای بسیار متزلزل که زندگی آن‌ها با تنش و اضطراب همراه است، بزرگ شده است. پدرش قاچاقچی بوده و به نظر می‌رسد که مهین از تربیت پدر سود

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔپورحبیبی زرنندی و ۳۵. چندانی نبرده و بیشتر مادر وی، سرپرستی او را به عهده داشته است. از طرف دیگر به دلیل به زندان افتادن مادر مهین مجبور به سکونت در مجتمع شبانه روزی شده است. جدایی از کانون نه چندان مستحکم خانواده و سازگاری با محیط جدید و نیاز بیش از پیش به مادر بزرگ، بر تنش‌ها و اضطراب درونی- روانی مهین افزوده است و از طرفی نپذیرفتن شرایط حاکم و انکار موقعیت نابسامان کنونی به دلیل خودآرمانی، تبیین‌گر اضطراب اساسی این شخصیت، در داستان گوشواره است. رشد نمودن مهین در چنین شرایط و محیط اجتماعی، زمینه را برای ایجاد خشم و ایجاد تمایلات عصبی، مانند پنهان‌کاری، خیال-پردازی، سعی در تغییر وضعیت زندگی و نیز ایفای نقش‌های خیالی افراد پول‌دار و قدرتمند، فراهم می‌نماید (شولتز و شولتز ۱۳۹۸: ۸۵).

۲. ۱. ۶ داستان سنگ‌های من

پسر بچه‌ی داستان با پدر بزرگ، مادر بزرگ و پدر خود زندگی می‌کند و از نعمت مادر محروم است. او در یک خانوادگی تک‌والد زندگی می‌کند و از نظر عاطفی دچار اضطراب و فشار شدید روحی و روانی می‌باشد. و خود را تنها و درمانده احساس می‌کند. او در محیطی زندگی می‌کند که آرامش و تعادل روانی نداشته و به نوعی روان‌رنجور می‌باشد. جهان را ترس‌آفرین، آمیخته با دروغ، ستم‌کار و حسرت‌برانگیز می‌داند. احساس درماندگی و خجالت به دلیل فقدان مادرش او را به سمت رؤیای‌پردازی هدایت کرده است که تا حدودی رفتار هیجان‌مدار و روان‌رنجورانه را برای او به همراه دارد (شجاع‌زاده و اسکویی ۱۳۹۶: ۱۹۵).

۳. ۱. ۶ داستان آب انبار

در داستان آب انبار شخصیت‌های داستان به اشکال گوناگون از حس کمال‌گرایی درونی خود فرار می‌کنند و هر زمان احساس بزرگ منشی به آن‌ها دست می‌دهد، مضطرب می‌شوند و در صدد شکستن غرور و خوار کردن خود بر می‌آیند و این حس ناشی از اضطرابی است که از نفس سرکش خود دارند و مضطربند از این که مبادا نفسشان به شکل لجام گسیخته آن‌ها را از انسانیت دور کند و به این علت به شکل غیر انطباقی خود را مورد

نکوهش قرار می‌دهند. عماد پسر سقای شهر در یک خانواده بسیار ضعیف زندگی می‌کند. غذای او نان و پیاز است. در مکتب خانه زمانی که الماس پسر اصلان بازرگان، حلوی چرب و شیرین و زعفرانی که مادرش درست کرده است، بر سفره غذا می‌آورد، دهان عماد و سایر بچه‌ها آب می‌افتد. عماد برای به دست آوردن حلوا، طبق درخواست الماس تن به سگ شدن، می‌دهد. این رفتار عماد و الماس که هریک به صورت متفاوت، از آنها سر زده است ناشی از اضطراب بنیادی در وجود آنها است (هورنای ۱۳۹۷: ۲۴۶).

۲. ۶ تضاد اساسی (Basic conflict)

۱. ۲. ۶ تاکتیک مهرطلبی (Moving toward people)

داستان آب انبار

عماد شخصیتی عصبی است که برای رهایی از رنج و آزار ناشی از فشار عصبی، تیپ مهرطلب به خود می‌گیرد تا همه او را دوست داشته باشند. برای حفظ مهرطلبی بسیار تلاش می‌کند و مواظب است تا کسی را ناراحت نکند و شخصیت مهرطلبی‌اش خدشه‌دار نگردد. او برای راضی نمودن دوستان خود تن به خواسته‌های آنان می‌دهد و برای برطرف نمودن نیاز درونی خود از دوستش الماس، درخواست حلوا می‌کند؛ الماس به شرطی به او حلوا می‌دهد که برایش سگ شود. عماد به خواسته الماس تن می‌دهد و در مقابل سایر دوستانش با مهارت عوعو می‌کند؛ دم تکان می‌دهد؛ با شست پا پشت گوش خود را می‌خاراند و حلوا می‌خواهد. زمانی که استاد مکتب، او را به خاطر رفتار ناشایستش سرزنش می‌کند، از رفتار خود دفاع می‌کند (فیست و فیست ۱۳۹۷: ۳۱۰).

۲. ۲. ۶ تاکتیک برتری طلبی (Moving against people)

۱. ۲. ۲. ۶ داستان گوشواره

مهین حالت برتری طلبی را در درون خود پنهان کرده است و این امر کشمکش و تضادی را در درون مهین ایجاد می‌کند. او نمی‌تواند در برابر خشم دیگران به عنوان شخص مهرطلب ساکت بماند. در نتیجه در درون او برتری طلبی جلوه‌گر می‌شود. از این رو فرد به موجودی حقیر، درمانده و بدون اعتماد به نفس تبدیل می‌شود. مهین می‌خواهد هدیه‌ای که

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔپورحبیبی زرنندی و ۳۷۰
برای دوستش مهتاب می‌خرد از همهٔ دوستانش، بهتر باشد. چون دچار حقارت و کمبود
شخصیت واقعی شده است. وی برای جبران آن کمبود و خلأ شخصیتی، در ذهن به برتری
طلبی پناه می‌برد تا خود را آرام نماید(شواتز و شولتس ۱۳۹۸: ۲۵۹).

۶. ۲. ۲. ۱. داستان آب انبار

الماس در این داستان به عنوان شخصیتی برتری طلب و سلطه‌جو جلوه‌گری می‌کند. او
پسر بازرگان شهر است. غذای الماس حلوی چرب و شیرین و زعفرانی بود که دهان بیچه-
ها با دیدن آن حلوا، آب می‌افتاد. الماس دچار غرور شدید شده است و برای این که به
خواسته‌های عصبی خود جامهٔ عمل بپوشاند، از بیچه‌ها می‌خواهد برای این که به آن‌ها حلوا
بدهد، نقش حیوانات مختلف را برای او، بازی نمایند. یکی از کسانی که به خواسته‌های
سلطه‌گرانه‌ی الماس پاسخ مثبت داد، عماد بود که با مهارت کامل برای او سگ شد. الماس
از خود واقعی‌اش فاصله گرفته و برای رسیدن به خود آرمانی‌اش پیوسته تلاش بسیار می-
کند تا همواره این خود تصویری را حفظ کند(فیست و فیست ۱۳۹۷: ۲۶۸).

۶. ۲. ۳. تاکتیک انزوای طلبی (Moving away from people)

داستان سنگ‌های من

پسر بیچه، کمبود مهر مادری را به شدت احساس می‌کند. در نتیجه برای فرار از این بحران
عاطفی، انزوای طلبی را پیشه می‌کند و از خانوادهٔ خود فاصله می‌گیرد تا در خلوت خود بدون
نیاز به کسی به طور مستقل به آرمان‌های خود پردازد. او به شدت به خودبستگی و محدود
ساختن زندگی خود، محتاج و وابسته می‌شود. هرچند وی در درون خود از این دوری وانزوا
راضی نیست، اما این نیازها برای دست‌یافتن به آرمان‌هایش، ضروری قلمداد می‌شود؛
بنابراین در جستجوی راه‌حلی است که او را به یک تعادل و آرامش روانی برساند و برای
تحقق این امر، به ناچار راهی جز پناه‌بردن به خیال‌پردازی و گوشه‌گیری نمی‌یابد. چون تنها در
این حالت، خود را از آزار واذیت دیگران در امان می‌بیند(فیست و فیست ۱۳۹۷: ۲۹۲).

۳.۶ تاکتیک خود آرمانی (Idea lazed self)

۳.۶.۱ کسب عظمت و جلال

میان میل پیشرفت واقعی و سالم با تلاش‌های عصبی برای کسب عظمت فرق این است که در اولی رغبت، اختیار و رضایت وجود دارد، در دومی اجبار و اضطرار. اولی با واقعیات سر و کار دارد و دومی با تخیل و توهم. مهین و الماس، خودشان را برتر از دیگران، کامل، بی‌عیب و نقص تصور می‌کنند و میل زیاد به پیشرفت دارند. این نیاز از روی اجبار است نه از روی اختیار و رغبت. مهین و الماس به واسطه حفظ حالت خود آرمانی - شان تلاش می‌کنند، عظمت و جلال تصویری برای خود فراهم کنند (هورنای ۱۳۹۷: ۹۳).

۳.۶.۲ توقعات و انتظارات عصبی

در داستان گوشواره مهین از دیگران انتظار دارد که مناسب با تصویر ایده‌آلی‌اش رفتار کنند نه با تصویر واقعی او. تصویری آرمانی که واقعی نیست. و خود موجب ایجاد و بروز مشکلات عصبی دیگر می‌شود. این توقعات و انتظارات فرد عصبی، واقعی نیست و انتظاراتی خودخواهانه است، که شخص عصبی انتظار دارد، بدون سعی و کوشش، برآورده شوند. عماد دوست دارد، سگ باشد تا از این طریق نزد شاگردان مکتب دوست داشتنی باشد، از دیگران انتظار دارد که او را در نقش تخیلی‌اش که از نظر او بسیار جذاب است، کمک نمایند. الماس نیز از شاگردان مکتب خانه توقع دارد که برایش نقش حیوانات مختلف را بازی کنند تا انتظارات عصبی‌اش برآورده شود.

۳.۶.۳ بلای باید

شخصیت مهین، عماد و الماس یک تصویر ایده‌آل در خود ترسیم کرده اند و به خودشان می‌گویند تو باید مثل این تصویر باشی و چون توقعات و بایدها اجباری است نه از روی اختیار، شخص عصبی را بدون اراده به پیروی از آن‌ها، سوق می‌دهد و از این جهت باید یک بلا قلمداد شود و شخص به غرور عصبی و بیگانگی با خود واقعی، مبتلا می‌شود. پسر بچه داستان سنگ‌های من با وجود فاصله گرفتن از خانواده، به دلیل فشار عصبی ناشی

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔپورحبیبی زرنندی و... ۳۹
از مرگ مادر، محیط و اجتماع، بایدهایی برای خود تصور می‌کند که برای دست یافتن به
آن‌ها باید به تخیل پناه ببرد تا خود آرمانی خود را حفظ کند.

۴.۳.۶ غرور عصبی

مهین اعتماد به نفس لازم را ندارد و تنها در خود آرمانی سیر می‌کند و احساس
خودپسندی و غرور می‌نماید؛ غروری که بی اساس و بی جهت و نتیجه‌ی خود ایده آلی
اوست. او تصور می‌کند که فرد دوست داشتنی است و اگر کسی به او توجه نکند، احساس
می‌کند که فرد بی ارزش و ناچیزی می‌باشد. پسریچهٔ داستان سنگ‌های من، احساس می‌کند
که بی نیاز از دیگران است و دوست ندارد کسی به او کمک نماید و در تخیل خود سیر
می‌کند و دچار غرور عصبی شده است و اگر کسی به او پیشنهاد کمک دهد، احساس
خواری و حقارت می‌کند. عماد نیز اعتماد به نفس خود را که مبنای آن شایستگی و
استعدادهای واقعی است، از دست می‌دهد و بسیار ضعیف می‌شود و جای آن را غرور و
خودپسندی می‌گیرد. وی تصور می‌کند که نزد بچه‌های مکتب خانه به خاطر سگ شدن،
بسیار دوست داشتنی و مفید است و حاضر نیست که این لذت را از دست بدهد و اگر
بچه‌ها به او توجه و اعتماد نکنند، دچار احساس حقارت می‌شود و سعی می‌کند این غرور
را که نزد همه محبوب است را حفظ کند. در این داستان الماس پسر بازرگان نیز که خود را
به خاطر مال و ثروت پدرش، برتر و مسلط تصور می‌کند، این تصور برتری و قدرت، او را
دچار غرور عصبی کرده است.

۵.۳.۶ عناد به خود و خواری طلبی

مهین انرژی زیادی برای کسب عظمت صرف می‌کند، دیگر برای او انرژی باقی نمی‌ماند
که صرف خود واقعی کند. در نتیجه نسبت به خود واقعی که مانع جلال و شکوه خود
ایده‌آل است، عناد و نفرت می‌ورزد. آن وقتی که خود را از همهٔ دوستانش برتر و بالاتر
تصور می‌کند و تیپ برتری طلب به خود می‌گیرد، از هر چیزی که به شخصیت برتری-
طلبی او، آسیب برساند، متنفر می‌شود. عماد آرامش خود را در این می‌بیند که دیگران او را

دوست داشته باشند. پس اگر کاری کند که دیگران از او ناراضی شوند و توقعات آن‌ها را برآورده نکنند، احساس خواری و حقارت می‌نماید.

۶.۳.۶. تعکس

مهین چون تصور می‌کند، فرد ضعیفی از نظر اقتصادی و جایگاه اجتماعی می‌باشد، آن جریاناتی که در روح او صورت می‌گیرد، در خارج از خود تصور می‌کند و این گونه تصور می‌کند که دیگران به ضعیف بودن و فقر او اذعان دارند و او را تحقیر می‌کنند. در واقع تعکس او را از خود واقعی‌اش دور کرده است. در حالی که دلش به حال خودش می‌سوزد، ولی به علت تعکس به نظرش می‌رسد، نسبت به دیگران حالت دلسوزی دارد. عماد در داستان آب انبار نیز تصورات درونی خود را تعکس می‌کند و مشکل خود را که سگ شدن برای شادی و سرگرمی دیگران است به آن‌ها نسبت می‌دهد و تصور می‌کند چون آن‌ها دوست دارند که او این عمل را انجام دهد، پس او نیز انجام می‌دهد. پسریچه داستان سنگ‌های من که انزوا طلبی پیشه کرده است، تصور می‌کند که دیگران او را ترک کرده‌اند و از این تنهایی و گوشه‌گیری وی راضی هستند.

۷. یافته‌ها

در این بخش تیپ‌های شخصیتی و سپس ساختار خودآرمانی نظریه‌ی کارن هورنای ارائه شده است.

جدول ۱. تحلیل داستان‌ها بر اساس تیپ‌های شخصیتی نظریه‌ی کارن هورنای

نظریه کارن هورنای			
اضطراب اساسی			
مردی	شخصیت مهرطلب	شخصیت برتری طلب	شخصیت انزوا طلب

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔپورحبیبی زرنندی و ۴۱۰

داستان سنگ های من شخصیت: پسر بچه	داستان گوشواره شخصیت: مهین داستان آب انبار شخصیت: الماس	داستان آب انبار شخصیت: عماد	کرمانی
-------------------------------------	--	--------------------------------	--------

جدول ۲. تحلیل داستان‌ها بر اساس ساختار خودآرمانی نظریهٔ کارن هورنای

کارن هورنای						خود واقعی	مرادی کرمانی
خود آرمانی							
تعکس	عناد به خود و خواری طلبی	غرور عصبی	بلای باید	توقعات و انتظارات عصبی	عظمت و جلال		
داستان گوشواره شخصیت: مهین داستان آب انبار شخصیت: عماد داستان سنگ های من شخصیت: پسر بچه	داستان گوشواره شخصیت: مهین داستان آب انبار شخصیت: عماد	داستان آب انبار شخصیت‌ها: الماس و عماد داستان گوشواره شخصیت: مهین داستان سنگ های من شخصیت: پسر بچه	داستان گوشواره شخصیت: مهین داستان آب انبار شخصیت‌ها: الماس و عماد داستان سنگ های من شخصیت: پسر بچه	داستان گوشواره شخصیت: مهین داستان آب انبار شخصیت‌ها: الماس و عماد داستان سنگ های من شخصیت: پسر بچه	داستان گوشواره شخصیت: مهین داستان آب انبار شخصیت‌ها: الماس و عماد داستان سنگ های من شخصیت: پسر بچه	-	

با توجه به جدول فوق می‌توان بیان کرد، بر اساس ساختار خود آرمانی هر چند تمام شخصیت‌های عصبی، دارای نیازهای فوق می‌باشند، اما بعضی از احتیاجات و نیازهای عصبی در شخصیت‌های داستان‌ها، اهمیت بیشتری دارند که در جدول، بیان شده است.

۸. نتیجه‌گیری

براساس بررسی‌های انجام‌شده، در تمام شخصیت‌های داستان‌ها، اضطراب اساسی به عنوان اساسی‌ترین اصل، در نظریه کارن هورنای، مشاهده می‌شود. اضطرابی که منشأ آن خانواده، محیط و اجتماع می‌باشد و در دوران طفولیت بر کودک تحمیل شده است و در بعضی شخصیت‌ها در بزرگسالی، ظهور و بروز کرده است.

اضطراب علت بسیاری از روان رنجوری‌ها در کودک است. کودک برای این‌که خود را از آزار و اذیت دیگران رهایی بخشد، به راه‌هایی متوسل می‌شود که از سه حالت مهرطلبی، برتری طلبی و انزوا طلبی، بیرون نیست. از آنجایی که این سه تاکتیک با هم تضاد دارند، یک کشمکش شدید به نام تضاد اساسی در کودک ایجاد می‌شود.

می‌توان گفت که تضاد اساسی که حاصل کشمکش و برخورد شدید سه تاکتیک مهرطلبی، برتری طلبی و انزوا طلبی، می‌باشد، در همه شخصیت‌ها با شدت و ضعف، وجود دارد. در میان شخصیت‌ها بیشترین حالت عصبی را برتری طلبی، به خود اختصاص داده است. تمام شخصیت‌ها اعم از مهرطلب، برتری طلب و انزواطلب، به ترس عصبی، تضعیف شخصیت، یأس و تمایلات سادیستی، دچار شده‌اند.

همه شخصیت‌ها از خود واقعی، فاصله گرفته‌اند و برای رسیدن به خود آرمانی، تلاش می‌کنند و انرژی زیادی برای حفظ و حراست آن صرف می‌کنند. شخصیت‌های عصبی برای پنهان نمودن ماهیت حقیقی خود عمداً یا به صورت نا خودآگاه، نقاب به چهره می‌زنند. البته نیازها و احتیاجات فرد عصبی با توجه به تیپ‌های سه‌گانه یاد شده، متفاوت است. براساس ساختار خود آرمانی، احتیاجات و نیازهایی مانند کسب عظمت و جلال، توقعات و انتظارات عصبی، بلای باید، غرور عصبی، عناد به خود و خواری طلبی

تحلیل روان‌شناختی شخصیت کودکان در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریهٔ ...پورحبیبی زرنندی و ۴۳ و تعکس، برای شخص عصبی، ایجاد می‌شود که بی‌استثنا در همهٔ شخصیت‌های عصبی مورد مطالعهٔ ما وجود دارد، اما می‌توان اظهار کرد که در هریک از تیپ‌های عصبی یک یا چند نیاز، بروز و ظهور بیشتری دارد و در بعضی دیگر کمتر نمایان می‌گردد.

از افراد و شخصیت‌های عصبی و روان‌پریش را می‌توان با خودکامی و روان‌کامی، درمان کرد. برای این که شخص بتواند از رنج و آزار عصبیت نجات یابد، باید زمینه‌ای فراهم گردد تا شخص عصبی از وجود این رفتارهای آزار دهنده و غیر واقعی، آگاه شود. هر چه فرد نسبت به خود واقعی، بیشتر آگاه شود، شخص عصبی بهتر و آسان‌تر می‌تواند از رفتارهای عصبی، رهایی یابد.

بنابراین با استفاده از نظریهٔ کارن هورنای می‌توان به مطالعهٔ رفتار کودکان روان‌پریش پرداخت. کودکانی که اضطراب و ناآرامی باعث ضعف مهارت‌های خواندن و نوشتن و حتی ناتوانی ذهنی آنان، شده است.

آگاهی والدین از سنین رشد با توجه به شکل‌گیری شخصیت در هفت سال اول تولد و تأثیر اضطراب و آزار وادیت که در دورهٔ طفولیت از سوی خانواده یا محیط اجتماعی بر کودک تحمیل می‌شود و به اختلالات روانی در کودک منجر می‌شود، می‌تواند به پیشگیری عصبیت قبل از درمان آن، کمک شایانی نماید.

معلم، مربیان و حتی والدین نیز می‌توانند طبق این نظریه، اضطراب بنیادی، تضاد اساسی و تیپ‌های سه‌گانهٔ شخصیتی، مهرطلب، برتری طلب و انزوا طلب را تشخیص دهند و برای کاهش و رفع مشکلات عصبی افراد که منشأ آن خانواده و محیط است، گام‌های مؤثری بردارند.

کتاب‌نامه

اسنون، رود (۱۳۹۷)، خودآموز یونگ، ترجمهٔ نورالدین رحمانیان، چاپ دوم، تهران: آشیان.

برزگر، ابراهیم (۱۳۹۵)، روان‌شناسی سیاسی، چاپ پنجم، تهران: سمت.

بهنام‌فر، محمد؛ طلائی، زینب (۱۳۹۴)، «نقد روان‌شناختی شخصیت در رمان سالمرگی بر مبنای نظریه کارن هورنای». متن پژوهی ادبی. دوره ۱۸. شماره ۶۲. صص ۱۷۵-۱۹۳.

رضایی، محمود (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی داستانی از جیمز تربر بر اساس دیدگاه روان‌شناختی کارن هورنای»، فصلنامه ادب پژوهی. دوره ۳، شماره ۱۰. صص ۱۸۷-۲۰۶.

شاکری، جلیل؛ بخشی، بهناز (۱۳۹۴)، «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های سه داستان گدا، خاکسترنشین‌ها و آشغال‌دونی غلامحسین ساعدی بر مبنای نظریه کارن هورنای». متن پژوهی ادبی. دوره ۱۹. شماره ۶۳. صص ۵۵-۸۸.

شجاعت‌زاده، ته‌مین؛ اسکویی، نرگس (۱۳۹۶)، «تحلیل شخصیت محمود در رمان انگار گفته بودی لیلی» بر اساس آرای کارن هورنای. پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. شماره ۳. دوره ۱۹. ۱۱۵-۱۳۳.

شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی آلن (۱۳۹۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ دهم، تهران: ویرایش.

فیست، گریگوری؛ جست، فیست (۱۳۹۷)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ ششم، تهران: روان.

لورنس‌ای، پروین؛ اولیور پی، جان (۱۳۸۱)، شخصیت (نظریه و پژوهش)، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: آبیژ.

محرمی، رامین؛ حاجلو، نادر؛ شجاعی ماسوله، مهری (۱۳۹۰)، «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستانی هوشنگ مرادی براساس نظریه اریکسون». فصلنامه ادب پژوهی. شماره ۱۵. صص ۱۲۱-۱۴۰.

مرادی کرمانی، هوشنگ (۱۳۹۱)، آب‌انار، چاپ اول، تهران: معین.

مرادی کرمانی، هوشنگ (۱۳۹۵)، تنور، چاپ دوم، تهران: معین.

هورنای، کارن (۱۳۹۵)، راه‌های نو در روانکاوی، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: بهجت

هورنای، کارن (۱۳۹۷)، تضادهای درونی، ترجمه محمدجعفر مصفا، چاپ دوم، تهران: بهجت.

هورنای، کارن (۱۳۹۷)، عصیبت و رشد آدمی. ترجمه محمدجعفر مصفا، چاپ بیستم، تهران: بهجت.